



Association for the human rights
of the Azerbaijani people in Iran

انجمن دفاع از حقوق بشری آذربایجانیها در ایران (آهراز):

محرومیت کودکان تورک آذربایجانی از آموزش زبان مادری در ایران و تبعات آن

فهرست

1. خلاصه یافته ها و پیشنهادات 2
2. مقدمه و پیشینه 3
3. کودکان تورک آذربایجانی در ایران 3
4. قوانین جمهوری اسلامی در ارتباط با زبان و فرهنگ ملیتها 5
5. سیاست رژیم جمهوری اسلامی در قبال آموزش زبان مادری 5
6. تبعات عدم آموزش به زبان مادری در کودکان آذربایجان 7
- 6.1 تحقیق اول: بررسی مسائل آموزشی کودکان دوزبانه در آذربایجان شرقی 7
- 6.2 تحقیق دوم: دوزبانگی و دیگلوسی تورک زبانان ایرانی 8
- 6.3 تحقیق سوم: مقایسه آمار باسوادی در استانهای با اکثریت فارس و تورک 10

1. خلاصه یافته ها و پیشنهادات

حق آموزش زبان مادری و فرهنگ و هنر ملیت ها و استفاده و مشارکت در بازتولید آن برای کودکان متعلق به آن ملیت یکی از مواردی است که در کنوانسیون حقوق کودک به شدت مورد تاکید قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران در سال 1991 کنوانسیون بین المللی حقوق کودک را امضا و در سال 1994 در مجلس شورای اسلامی مشروط به اینکه بندهای کنوانسیون ناقض قوانین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی نباشد، تصویب کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی تنها زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی شناخته و از سایر ملیتهای ساکن در ایران از جمله زبان تورکی آذربایجان اسمی نبرده است. با این وجود، قانون اساسی آموزش زبان سایر ملیتها را که از آنان به عنوان "زبان محلی و قومی" یاد میکند را آزاد اعلام کرده است. بنا بر این از نقطه نظر تطابق با قوانین ایران، عمل به بندهایی از کنوانسیون حقوق کودک که آموزش زبان مادری اقلیتهای ملی را برای دولت ایران الزامی می کند، بلامانع است. برخلاف این واقعیت، رژیم ایران نه تنها به وظیفه خود در آموزش زبان مادری کودکان تورک آذربایجانی عمل نمی کند، بلکه به انحاء مختلف از انجام آن توسط فعالین و نهادهای غیر دولتی نیز جلوگیری به عمل می آورد. از همین رو می توان رژیم ایران را که از امضا کنندگان کنوانسیون حقوق کودک است، مورد بازخواست قرار داد.

تورکان آذربایجان به همراه فارس زبانها از پرجمعیت ترین مردمان ساکن در ایران است. گرچه آمار رسمی برای جمعیت اثنیکی ایران وجود ندارد، اما اظهار نظر مسئولان جمهوری اسلامی، نشان می دهد که حدود چهل درصد جمعیت ایران به زبان تورکی صحبت می کنند. یعنی جمعیت کودکان کی زبان مادریشان تورکی است، حدود نه میلیون نفر تخمین زده می شود. با اینکه اصل پانزدهم قانون اساسی ایران، آموزش زبانهای سایر ملیتها را آزاد اعلام کرده ولی تا کنون هیچ اقدام عملی برای اجرای این قانون انجام نشده است. در واقع دولت مرکزی سیاست رژیم سابق در فارسی سازی و هویت زدایی از تورک زبانان را ادامه می دهد و به صورت سیستماتیک سیاست آسیمیلاسیون کودکان تورک زبان را دنبال می کند. تحقیقات و آمار ها نشان می دهد که محرومیت کودکان آذربایجانی از آموزش به زبان مادری آنها باعث بالا بودن آمار بیسوادی، افت تحصیلی، حس تحقیر و از خود بیگانگی در کودکان آذربایجانی شده است. از دهه نود میلادی که موج هویت خواهی در بین جوانان آذربایجانی با تاکید بر آموزش به زبان تورکی شکل گرفته است، دولت جمهوری اسلامی با بازداشتها و خشونت پلیس با آنها مقابله کرده است. دهها نفر از جوانان آذربایجانی هر ساله در مراسمات ویژه از جمله روز جهانی زبان مادری بازداشت و به اتهام "تجزیه طلبی" به حبسهای طولانی مدت محکوم می شوند. با اینکه رییس جمهور ایران، حسن روحانی در کمپین انتخاباتی خود برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی به حق آموزش به زبان مادری اذعان کرده و قول اجرای آن را داد، ولی اظهارات کنونی مسئولان دولتی در این زمینه، امید به اقدام دولت در این زمینه را از بین برده است.

انجمن دفاع از حقوق بشری آذربایجانیها در ایران (آهراز) ، با ارائه گزارش تفصیلی خود در زمینه محرومیت کودکان آذربایجانی از حق فراگیری، استفاده و مشارکت در امور به فرهنگ و زبان خود، از کمیته حقوق کودک سازمان ملل می خواهد تا توصیه های زیر را به دولت ایران ارائه کنند:

- آزادی فعالین مدنی آذربایجانی که به علت مطالبه حق تحصیل به زبان مادری بازداشت و به حبس محکوم شده اند.
- آموزش زبان تورکی آذربایجانی و ادبیات آن در مدارس استانهای تورک زبان.
- فراهم آوردن شرایط برای فعالیت آزادانه نهادها و آموزشگاههای غیر دولتی در آموزش زبان تورکی.
- تاسیس فرهنگستان زبان تورکی برای تدوین کتابهای آموزشی تورکی برای کودکان.
- پخش برنامه های تلویزیونی مخصوص کودکان و نوجوانان به زبان تورکی.
- تبعیض مثبت در امکانات دولتی و پارانه ها برای چاپ کتابهای کودکان، نشریات به زبان تورکی.

- لغو ممنوعیت نامگذاری اماکن عمومی به نامهای تورکی.
- لغو ممنوعیت قانونی و عملی نامگذاری کودکان به نامهای تورکی.
- بازنگری کتابهای درسی تاریخ و ادبیات جهت حذف مطالب اهانت آمیز به تورکها.

2. مقدمه و پیشینه

کنوانسیون حقوق کودک اعمال هر گونه تبعیض علیه کودکان را ممنوع می کند و دولتها را موظف می کند که حق کودکان متعلق به اقلیت های ملی، مذهبی یا زبانی را برای برخورداری و اعمال فرهنگ خود تضمین کند. کنوانسیون حقوق کودک در مواد 17، 20، 29 و 30 خود بر وظیفه اعضا بر توجه به نیازها و حقوق کودکان متعلق به ملیت ها برای فراگیری زبان، فرهنگ، ادبیات و هنر ملیت خود و نیز احترام و تضمین آزادی بیان و ابراز فرهنگی در رسانه ها، تاکید ویژه داشته است. کمیته حقوق کودک همچنین در جنرال کامنت شماره 17 خود تاکید می کند که زمان و تخصص لازم باید در برنامه درسی مدارس برای کودکان برای یادگیری، مشارکت و بازتولید فرهنگ و هنر خود شامل موسیقی، نمایش، ادبیات، شعر، هنر و همچنین ورزش ها و بازیهای خود گنجانده شود.

کنوانسیون در سال 1991 از طرف جمهوری اسلامی ایران امضا و در سال 1994 با اضافه کردن یک شرط در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. شرط مذکور تاکید می کند که "در صورتی که مفاد کنوانسیون حقوق کودک متناقض با قوانین جمهوری اسلامی و شریعت اسلام باشد، جمهوری اسلامی لزوماً آن را رعایت نخواهد کرد"¹. حقوق مربوط به کودکان ملیتهای غیرفارس از مهمترین مواردی هستند که ظاهراً هیچ منع قانونی برای احقاق آنها وجود ندارند. اما در عوض قوانین نانوشته ای که معمولاً نشأت گرفته از سیاستهای ملی گرایانه و مذهبی حاکمیت در ایران هستند، نه تنها مانع اجرای این قوانین می شود، بلکه فعالین مدنی ای که خواستار اجرای این قوانین هستند، تحت تعقیب قرار گرفته و به شدت با آنها برخورد می شود. کودکان ملیتهای غیر فارس علاوه بر اینکه از نقطه نظر دسترسی به خدمات رفاهی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) نسبت به کودکان فارس زبان معمولاً مورد تبعیض قرار میگیرند، از دسترسی به برخی حقوق پایه ای همچون حق آموزش زبان مادری نیز به کلی محروم هستند. در این گزارش محرومیت کودکان آذربایجانی (تورک) از حق آموزش به زبان مادری و تبعات این محرومیت در ابعاد مختلف در تحقیقات دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته ارائه می شود.

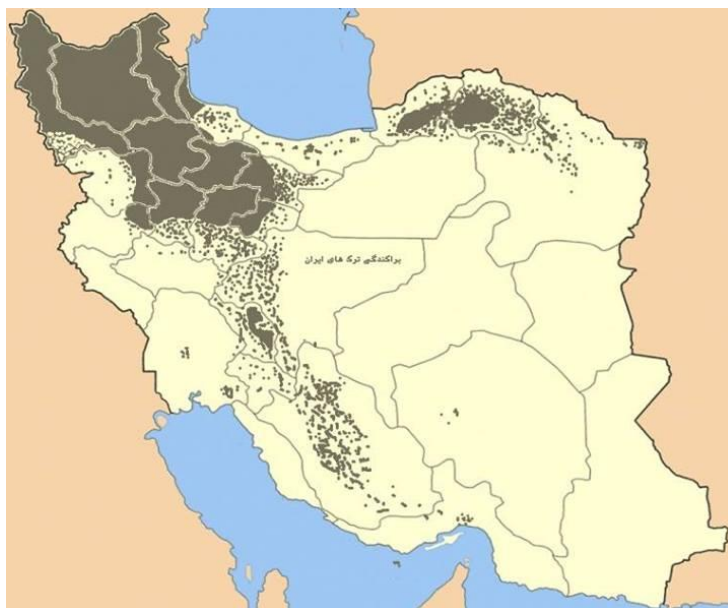
3. کودکان تورک آذربایجانی در ایران

ایران با جمعیت بیش از 75 میلیون نفر، کشوری کثیرالمله است و ملیتهای تورک (آذربایجانی)، فارس، کرد، بلوچ، عرب و تورکمن قرنهایست که در این سرزمین در همسایگی یکدیگر ساکن هستند. تورکهای ایران شامل تورکهای آذربایجانی (ساکن در شمال غرب و مرکز ایران شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، قزوین، همدان، البرز، نهران، قم، مرکزی، گیلان، کردستان و کرمانشاه)، همچنین تورکهای خلیج در مرکز ایران، تورکان قشقایی در مرکز و جنوب و تورکان خراسان در شرق ایران است (شکل 1). آمار رسمی ای که نشان دهنده ی جمعیت ملیتهای ایران باشد، وجود ندارد و یا حداقل اینکه اعلان نمی شود. گستردگی و پراکندگی تورک زبانان در مناطق مختلف و نیز پدیده مهاجرت محاسبه جمعیت آنها را امری مشکل میسازد. با این وجود دقت در اظهار نظر مسئولین جمهوری اسلامی تخمین قابل قبولی از جمعیت تورکها در ایران و همچنین کودکان تورک زبان به دست می دهد؛ وزیر سابق آموزش پرورش آمار کودکان دوزبانه (غیر فارس زبان) را هفتاد درصد² و وزیر سابق امور خارجه نسبت جمعیتی

¹ "Children's Rights: Iran". Library of Congress. 4 April 2011. Retrieved 28 May 2012 . [link](#):

² اظهارات حمید رضا بابایی در مراسم بزرگداشت روز ملی پژوهش، آذر 1388. [لینک](#) :

تورک زبانان در ایران را چهل درصد³ کل جمعیت ایران اعلام کرد. بنابراین با استناد به این آمار میتوان تعداد کودکان تورک زبان در ایران را 40 درصد جمعیت کل کودکان در ایران به صورت تخمینی محاسبه کرد. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در مورد سن جمعیت و با توجه به اینکه طبق تعریف کنوانسیون حقوق کودک افراد تا سن هیجده سالگی کودک محسوب می شود، جمعیت کودکان در ایران در سال 1390 (2011)، بیش از 24 میلیون نفر بوده است⁴ که با احتساب 40 درصدی، تعداد کودکان تورک زبان، بیش از نه میلیون نفر برآورد میشود.



1. پراکنندگی جمعیتی تورک زبانان در ایران

در تمام دوران تاریخ منطقه زبان تورکی در کنار زبان فارسی و عربی یکی از زبانهای اصلی مردمان ساکن جغرافیای کنونی ایران بوده است. این زبان به طور سنتی در مکاتب و حوزه های سنتی همواره تدریس می شده است. سال 1894 که مدارس نوین و آموزش مدرن در ایران تاسیس شد، به زبان تورکی تدریس می کردند⁵. با کودتای 1921 و روی کار آمدن رضا شاه پهلوی که سیاست یک زبان - یک ملت را پیش گرفت، زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی انتخاب و استفاده از زبان تورکی ممنوع شد. در این دوران در مدارس اگر دانش آموزی تورکی حرف می زند، می بایست جریمه می شد. با تاسیس حکومت ملی آذربایجان در سال 1945، دوباره تدریس زبان تورکی در مدارس آذربایجان آغاز شد. ولی در سال 1346 با اشغال آذربایجان توسط ارتش شاهنشاهی دوباره آموزش زبان تورکی ممنوع شده و کتابهای آموزشی که توسط حکومت ملی چاپ شده بود، در 17 دسامبر 1946 سوزانده شد⁶. با انقلاب 1979 با اینکه در اوایل انتظار میرفت حقوق ملیتها و مخصوصا امکان تدریس زبان تورکی فراهم شود، ولی با سرکوب اعتراضات ملیتها مختلف توسط رژیم تازه تاسیس جمهوری اسلامی هیچ اقدامی تا بحال در این زمینه صورت نگرفته است.

³ اظهارات علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران در تورکیه، ژانویه 2012. [لینک:](#)

⁴ سایت رسمی مرکز آمار ایران. [لینک:](#)

⁵ شیوا فرمند راد، نگاهی به تاریخ آموزش زبان تورکی در ایران، 1392 استکهلم. [لینک:](#)

⁶ ویلیام داگلاس، سرزمینهای شگفت انگیز و مردمانی مهربان، 1980. [لینک:](#)

4. قوانین جمهوری اسلامی در ارتباط با زبان و فرهنگ ملیتها

قانون اساسی جمهوری اسلامی تنها زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی می شناسد. فلذا تبعیض بر علیه متکلمان دیگر زبانهای بومی ایران را نهادینه کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ اشاره ای به نام و زبان ملیتهای تورک (آذربایجانی)، کرد و غیره اشاره نکرده و بدین ترتیب آنها را به صورت مستقیم به رسمیت نشناخته و تنها از عنوان "محلّی و قومی" که در زبان فارسی بار مفهومی منفی دارد، برای آنها استفاده می کند. با این وجود هیچ منع قانونی برای آموزش زبان مادری کودکان ایجاد نکرده است. اصل پانزدهم قانون اساسی می گوید: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلّی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است." اصل نوزدهم قانون اساسی ایران نیز مقرر می دارد: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود."

به عبارت دیگر عمل به مفاد کنوانسیون حقوق کودک در زمینه آموزش زبان مادری و فرهنگ ملی کودکان، ناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست. با این همه، در عمل، حق کودکان تورک برای آموزش زبان، ادبیات، فرهنگ و هنر ملیت خود، به اشکال مختلف نقض می شود.

5. سیاست رژیم جمهوری اسلامی در قبال آموزش زبان مادری

زمانی که در سال 1979 رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستقر شد، حدود پنجاه سال بود از ممنوعیت زبان تورکی در ایران می گذشت. با اینکه حقوق ملیتها یکی از اصلی ترین خواسته ها در دوران انقلاب 1979 بود، ولی تلاش سازمانها و فعالینی که در این راستا فعالیت می کردند، نتیجه ای جز اصل پانزدهم قانون اساسی روی کاغذ نداشت. به این صورت که رژیم تازه تاسیس جمهوری اسلامی در قبال خواسته های فعالین حقوق ملیتها با خشن ترین راههای ممکن آنها را سرکوب کرده و هیچوقت هم اصل پانزدهم قانون اساسی را اجرا نکرده است.

در طول دوران جمهوری اسلامی عملاً سیاست آسیمیلیاسیون در قبال تورکهای ایران ادامه داشته است. قوانین جمهوری اسلامی که تاکید شدید به اهمیت و گسترش زبان فارسی دارد، به حقوق دیگر زبانها به صورت مبهم اشاره می کند. نشریات و موسسات خصوصی که در زمینه زبان، فرهنگ و هنر آذربایجانی فعالیت می کنند، به شدت تحت فشار ارگانهای امنیتی قرار دارند و در بسیاری موارد مجوز آنها لغو می شود.⁷ همچنین صدور مجوز برای کتابهایی که به تورکی نوشته می شوند به سختی و تحت نظارت نهادهای امنیتی است.⁸ ممنوعیت استفاده از نامهای تورکی در اماکن عمومی⁹، سختگیری شدید در نامگذاری کودکان به نامهای تورکی¹⁰، تغییر اسامی جغرافیایی منطقه از نامهای تورکی به فارسی¹¹، ممنوعیت پخش برنامه ی کودکان و نوجوانان به زبان تورکی در شبکه های استانی¹²، تحقیر تورکها در

⁷ لغو مجوز نشریه آذربایجانی "دیلماج" بدون ارائه هیچ توضیحی، سال 1386. [لینک](#):

⁸ تهدید خانم "شریفة جعفری" مدیر انتشارات "پینار" از سوی ارگانهای امنیتی، سال 1392. [لینک](#):

⁹ اطلاعیه اداره کل فرهنگ و ارشاد استان بوشهر در ممنوعیت استفاده از نامهای غیر فارسی در اماکن عمومی با هدف پاسداشت زبان فارسی.

بهمین 1392. [لینک](#):

¹⁰ مخالفت اداره ثبت احوال تهران با نامگذاری کودک آقای فیروز یوسفی با نام تورکی "آلب اورحان". شهریور 1393. [لینک](#):

¹¹ تغییر اسامی جغرافیای آذربایجان و لیست حدود پانصد اسم جغرافیایی که به فارسی تغییر داده شده است. [لینک](#):

¹² صدا و سیما ی ایران پخش برنامه های ویژه کودکان، نوجوان و جوانان به زبان تورکی آذربایجانی در شبکه های استانی استان های تورک نشین

را ممنوع و پخش برنامه به زبان تورکی آذربایجانی را محدود کرده است. اردیبهشت 1389. [لینک](#):

رسانه های رسمی¹³، درج مطالب اهانت آمیز به تورکها و تحریف تاریخ آنها در کتابهای درسی¹⁴ به همراه تبعیضات اقتصادی بر علیه منطقه آذربایجان که به مهاجرت¹⁵ گسترده سبب شده است، از نمود های سیاست هویت زدایی رژیم در منطقه آذربایجان بوده است. جمهوری اسلامی ایران علیرغم کنوانسیون حقوق کودک به وظیفه خود در خصوص حقوق فرهنگی کودکان عمل نکرده است، بلکه با فعالین فرهنگی جامعه مدنی آذربایجان هم به شدت برخورد می کند. "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی" از جمله اتهام هایی است که ارگانهای امنیتی جمهوری اسلامی فعالین حقوق ملی را بازداشت کرده و در دادگاهها به حبسهای طولانی محکوم می کند. از دهه 1990 جنبشی به نام "حرکت ملی آذربایجان" در راستای حقوق ملی تورکها در آذربایجان ایران شکل گرفته است که از اصلی ترین خواسته های آنها تاسیس مدارس به زبان تورکی بوده است. تشکیل کلاسهای آموزش زبان تورکی، آموزش رقص ملی، آموزش موسیقی ملی آذربایجانی که به صورت زیرزمینی در خانه های فعالین شکل می گیرد، با یورش ماموران رژیم و بازداشت به اتهام "تجزیه طلبی" مواجه می شود¹⁶. از سال 1999 فعالین آذربایجانی بزرگداشت روز 21 فوریه که از سوی یونسکو به عنوان روز جهانی زبان مادری اعلام شده است، را با مراسم ها و تظاهرات خیابانی برگزار می کنند. همه ساله در این روز اکثر شهرهای آذربایجان شرایط امنیتی به خود می گیرد که با بازداشتها و خشونت های پلیس سرکوب می شود¹⁷. در طول دوران جمهوری اسلامی مسئولان رژیم همواره سعی می کنند که با انکار بازداشتها و اتهام سازی های دیگر وجود خواست عمومی برای آموزش به زبان مادری را انکار کنند. سعید متین پور (عکس زیر)، ژورنالیست آذربایجانی یکی از دهها زندانی است که به خاطر فعالیت در زمینه حقوق فرهنگی تورکها به هشت سال زندان محکوم شده و هم اکنون سال پنجم حبس خود را در زندان اوین می گذراند. اتهام وی "تبلیغ علیه نظام" و "ارتباط با بیگانگان" عنوان شده است.¹⁸



سعید متین پور، فعال زندانی حقوق فرهنگی تورکها

¹³ توهین روزنامه دولتی "ایران" به تورک زبانها با نشر کاریکاتوری که تورکها را به سوسک تشبیه کرده بود. خرداد 1385. [لینک:](#)
¹⁴ برای مثال در یک مورد در یک شعر در کتاب فارسی ششم دبستان، تبریز که بزرگترین شهر منطقه آذربایجان است، شهری فارسی زبان معرفی شده بود و به اعتراضات معلمان تورک زبان منجر شد. [لینک:](#)
¹⁵ مدیر کل اداره ثبت احوال استان آذربایجان شرقی: "استان آذربایجان شرقی بالاترین آمار مهاجرت در بین استانهای ایران را دارد." آبان 1392. [لینک:](#)

¹⁶ یورش ماموران امنیتی به مراسم عروسی و دستگیری و ضرب و شتم گروه موسیقی. شهریور 1393. [لینک:](#)

¹⁷ بازداشت گسترده فعالان آذربایجانی در روز جهانی زبان مادری، سال 1391. [لینک:](#)

¹⁸ سایت حمایت از سعید متین پور، [لینک:](#)

همراه با ممانعت سیستماتیک از برگزاری کلاسهای که حتی دارای مجوز هستند، بارها مسئولان جمهوری اسلامی ادعا کرده اند که تورک زبانان علاقه ای به یادگیری این زبان ندارند. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، آقای حسن روحانی برای اولین در تاریخ جمهوری اسلامی به وجود خواست عمومی در مردم آذربایجان برای تحصیل به زبان مادریشان اذعان کرد¹⁹. اما بعد از انتخاب ایشان به ریاست جمهوری، دستیار ویژه ایشان در امور اقلیتها دوباره ادعا کرد که مردم آذربایجان علاقه ای به آموزش زبان مادری خود ندارند²⁰.

6. تبعات عدم آموزش به زبان مادری در کودکان آذربایجان

همانطور که از ملیتهای مختلف در قانون اساسی ایران اسمی برده نشده است و همانطوریکه آمار مربوط به جمعیت ملیتهای مختلف اعلان نمی شود، به همان منوال تحقیقات دانشگاهی با موضوع اقلیتهای ملی در ایران در عمل با سختگیریهایی مواجه می شود. علاوه بر این، اهمیت آموزش به زبان مادری و عمق تاثیر زندگی کودک در دوران مختلف آنقدر پیچیده و عمیق است که بررسی تمام ابعاد تبعات آن امری بسیار مشکل است. زبان علاوه بر اینکه مهمترین وسیله ارتباط کودک با محیط بیرونی است، از منظر دیگر ابزار قدرت در روابط فردی و اجتماعی است. عدم دسترسی کودک به زبان مادری خود در واقع محرومیت از مهمترین ابزار قدرت در زندگی اجتماعی و ارتباط با دیگری است. امروزه مواردی چون حس تحقیر، تأخیر در حرف زدن کودک، لکت زبان و اینرسیون و بیگانگی از خود دیگر تبعاتی هستند که محققان در مورد کودکان دو زبانه کاملاً به آن یقین دارند²¹.

با اینحال موضوع "زبان مادری و کودکان تورک آذربایجان" موضوع چند تحقیق دانشگاهی بوده است که در زیر به خلاصه نتایج سه نمونه اشاره می شود. این تحقیقات از این جهت حائز اهمیت است که در آنها به برخی تبعات محرومیت کودکان آذربایجانی از تحصیل به زبان مادریشان و تاثیر آن در دیگر ابعاد شخصیتی و همچنین زندگی اجتماعی آنها بررسی شده است.

6.1 تحقیق اول: بررسی مسائل آموزشی کودکان دوزبانه در آذربایجان شرقی

خانم سولماز مدرس، دانش آموخته رشته زبان شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران در سال 1993 پروژه ی "بررسی مسائل آموزشی کودکان دوزبانه در آذربایجان شرقی"²² موضوع تحقیق پایان نامه فوق لیسانس خود انتخاب کرد²³. ایشان برای مقایسه کودکان تورک زبان و فارس زبان در ایران 24 مدرسه بطور نمونه انتخاب می کند. در انتخاب این 12 مدرسه در تهران (پایتخت) و روستاهای اطراف و 12 مدرسه در تبریز (بزرگترین شهر تورک نشین) و روستاهای اطراف آن قرار دارند. ضمناً چنانچه در جدول زیر ملاحظه میشود، نیمی از این مدارس دخترانه و نیمی دیگر پسرانه، و همچنین نیمی در محیط شهری و نیمی در محیط روستائی واقعند.

جدول 1. توزیع نمونه مدارس انتخابی در تحقیق اول

تهران	تبریز	جمع
-------	-------	-----

¹⁹ اظهارات حسن روحانی در سفر انتخاباتی خود به تبریز، لینک:

²⁰ اظهارات علی یونسی، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی، اسفند سال نود و دو: "آموزش به زبان مادری خواست عموم قومیت ها نیست" لینک:

²¹ Jim Cummins, Bilingual Children's Mother Tongue: Why Is It Important for Education?, 2001

http://www15.gencat.net/pres_casa_llengues/uploads/articles/Bilingual%20Childrens%20Mother%20Tongue.pdf

²² - مدرس ، سولماز . (1383) . «مشکلات دانش آموزان دوزبانه». ماهنامه دیپماج . 4 ، 41 - 31.

²³ علیرضا صرافی، "سیاست آموزش به زبان غیرمادری و افت تحصیلی کودکان". 1379

	روستاهاي اطراف	شهر	روستاهاي اطراف	شهر	
12	3	3	3	3	مدرسه دخترانه
12	3	3	3	3	مدرسه پسرانه
24	6	6	6	6	جمع مدارس هرناحیه
		12		12	جمع مدارس هر منطقه

ایشان از هر کلاس اول ابتدایی 10 نفر محصل را به طور اتفاقی از روی پرونده‌هایشان برمی‌گزیند و پس از بررسی و ثبت اطلاعاتی از پرونده آنها، در فاصله پیش از امتحانات ثلث سوم به کلیه این مدارس مراجعه میکند و از دانش‌آموزان امتحان واحدی را در کلیه دروس شامل دیکته، درک مطلب، روخوانی فارسی، علوم و ریاضی اخذ می‌کند. و کلیه نتایج را جهت مقایسه جمع بندي و نهایتاً به استنتاج می‌پردازد. در تز ایشان توضیحات مفصلي به همراه جداول و گرافها و نمونه سوالات امتحانی و جوابهای مربوطه ارائه شده است که به اختصار در اینجا تنها به چند نتیجه مهم تز ایشان اشاره میشود:

- 1- در امتحان دیکته فارسی دانش‌آموزان ترك زبان به طور متوسط 7 غلط و دانش‌آموزان فارس زبان 1/5 غلط دارند.
- 2- آذربایجانیها در بین کلیه امتحانات بهترین نمره را در درس ریاضی اخذ کرده‌اند. حال آنکه بهترین نمره تهرانیها در درس روخوانی فارسی است. علت این امر نیز روشن است درس ریاضی بیش از آنکه به مهارت زبانی نیاز داشته باشد به مهارت علمي نیازمند است. لذا آذربایجانیها در درس ریاضی مشکل کمتری دارند.
- 3- در محیط روستایی معدل نمرات دانش‌آموزان فارس زبانی که والدینشان هیچ کدام سواد ندارند 14 است. اما معدل نمرات دانش‌آموزان ترك زبانی که هر دو والدین آنها هم باسواد بوده‌اند 10 شده است.
- 4- متوسط معدل نمرات فارس زبانها در این آزمون 15 و متوسط معدل ترك زبانها 8/5 شده است. در درس علوم خانم مدرس دست به آزمایش جالبی میزند و ان اینکه از گروهی از دانش‌آموزان آذربایجانی سوالاتی به فارسی می‌پرسد و از آنها می‌خواهد که جواب را نیز به زبان فارسی بگویند. از گروهی دیگر همان سوالات را به زبان مادری می‌پرسد و از آنان می‌خواهد جواب را نیز به زبان مادری خود ارائه دهند. نتیجه اینکه در حالت اول متوسط نمرات می‌شود 9 و در حالت دوم متوسط نمرات 16 می‌شود. وی در پایان تز خود پیشنهاد می‌کند که آموزش دوره ابتدایی به زبان مادری و آموزش دوره‌های متوسط و عالی به زبان فارسی باشد.

6.2 تحقیق دوم: دوزبانگی و دیگلوسی تورک زبانان ایرانی

آقای "سونل بوسنالی" برای پایاننامه دکتری خود در دانشگاه سورین (سال 2003) دوزبانگی و دیگلوسی²⁴ ترک زبانان ایرانی که به زبان غیر مادری تحصیل کرده و مجبور به نوشتن و حتی صحبت کردن به زبان فارسی می‌باشند را مورد تحقیق علمی قرار داده است.^{25, 26} ایشان دو شهر تهران (پایتخت) و سلماس (یک شهر تورک نشین در استان آذربایجان غربی) را به عنوان نمونه شهرهای مورد سنوآل تحقیقی خود انتخاب کرده و کاربرد زبان تورکی را در این دو شهر مورد مطالعه حضوری قرار داده است؛ از نظر آقای بوسنالی دو شهر تهران و سلماس از آن جهت انتخاب شده‌اند که در تهران، زبان تورکی در همسایگی زبان فارسی و دیگر زبانهای مرسوم ایران قرار دارد و در سلماس نیز این زبان، همسایگانی چون کردی و ارمنی دارد.

²⁴ Harold F. Schiffman, Diglossia as a Sociolinguistic Situation, 2012. [Link](#) .

²⁵ صفحه اینترنتی دکتر سونل بوسنالی. [لینک](#):

²⁶ حسن راشدی، "دو زبانی یا دیگلوسی ترکان در ایران"، 1379.

نمونه آماری آقای بوسنالی در تهران 1/10000 و عدد 555 و در سلماس 2/1000 و عدد 36 می باشد. ایشان سؤال خود را در تهران در بین دوزبانه های تورکی شروع کرده که
الف: والدین آنها تورک زبان بوده و در تهران متولد شده اند **ب:** یکی از والدین آنها تورک زبان بوده است
ج: تورک زبانانی که مدت طولانی در تهران ساکن بوده اند.
 اما در سلماس انتخاب خاصی نبوده است.
 همچنین پرسش شونندگان ایشان در تهران از سه قشر مرفه(شمال شهر)، متوسط (مرکز شهر) و فقیر (جنوب شهر) انتخاب شده اند.
 پرسش شونندگان تهرانی و سلماسی نام زبان تورکی را که مورد سؤال آقای بوسنالی بوده چنین نامیده اند:

در تهران: تورکی آذربایجانی، تورکی آذری، آذری، تورکی
 در سلماس: تورکی آذربایجانی، تورکی آذری، آذری، تورکی، عجمی
 (عجمی نامی است که در بین عده ای از کردزبانان به تورکی اطلاق می شده است.)
 در سلماس 86% پرسش شونندگان زبان تورکی را زبان مادری خود می دانستند و 14% دیگر نیز که والدین غیر تورک داشتند زبان مادری خود را غیر از تورکی می دانستند.
 در تهران در بین 146 پرسش شونده تهرانی که پدر و مادر تورک داشتند و یا یکی از والدین آنها تورک بود 74% زبان مادری خود را تورکی، و از تعداد 26% بقیه 21% فارسی و 4% نیز زبان مادری خود را گیلکی، تالشی و یا لری می دانستند.
 همچنین کسانی که یکی از والدین آنها فارس زبان بود زبان مادری خود را فارسی می دانستند اما در بین پرسش شونندگان 2% نیز زبان مادری خود را تورکی می دانستند که والدینشان تورک نبودند.
 در بین پرسش شونندگان در سؤال اینکه در چه مکانهای به زبان تورکی صحبت می کنید؟ با توجه به درجه اهمیت اجتماعی استفاده از آن از کم اهمیت به پر اهمیت جواب چنین بوده است:

جدول 2. جواب پرسش شونندگان به سؤال اینکه در چه مکانهای به زبان تورکی صحبت می کنید؟

	خانه	محل	بازار	مدرسه	اداره	همه جا
سلماس	74%	91%	88%	86%	70%	75%
تهران	81%	49%	48%	33%	28%	26%

در اینجا منظور از مدرسه "محیط مدرسه" می باشد و الا در بین پرسش شونندگان که آیا در کلاس درس به تورکی صحبت می کنید جواب همه آنها منفی بوده است.

29% از پرسش شونندگان تهرانی تورکی را فقط در خانه صحبت می کنند و 26% نیز آن را در همه جا صحبت می کنند اما 10% در هیچ جایی به تورکی سخن نمی گویند و 3% نیز گفته اند در همه جا به تورکی سخن می گوئیم مشروط بر اینکه همه تورک باشند و یا در موقع لازم به تورکی حرف می زنیم.
 در بین پرسش شونندگان سلماسی در سؤال اینکه آیا تورکی را تنها در خانه صحبت می کنید؟ فقط یک نفر به این سؤال جواب مثبت داده است.

با توجه به آمار داده شده در دو شهر نمونه تهران و سلماس استفاده از زبان تورکی بیشتر در محیط خانواده انجام می گیرد. در تهران تعداد استفاده کنندگان از این زبان در خارج از کانون خانوادگی و با توجه به اهمیت اجتماعی مکانهای عمومی به خصوص در بین نسل جدید کاهش یافته است. در تهران بیشتر پرسش شونندگان خانه را محل مناسب برای استفاده از زبان تورکی می دانند و از صحبت کردن آن در مکانهای عمومی خودداری می کنند و بعضی ها هم حتی استفاده از آن را در مکانهای عمومی و رسمی رد می کنند.

از نظر آقای بوسنالی "دو زبانگی و یا دیگلوسی" در تهران به صورت آشکار مشاهده می شود اما دیگلوسی و یا رد زبان مادری را در بین تورک زبانان سلماسی نمی توان مشاهده کرد.

در سلماس در مکانهای عمومی تعداد صحبت کنندگان به زبان تورکی بیشتر از خانه است و این روند نشان می دهد علاوه بر تورک زبانان، کردزبانان و یا دیگر زبانان ساکن سلماس نیز در مکانهای عمومی به تورکی صحبت می کنند.

در سلماس فقط در مکانهای رسمی است که استفاده از زبان تورکی نسبتا کاهش می یابد؛ آمار بدست آمده در سلماس نشان از موقعیت اجتماعی بالاتر زبان تورکی است اما این موقعیت در تهران به قدری ضعیف می شود که بعضی ها حاضر نیستند در هیچ جا به تورکی صحبت کنند. با توجه به تحقیقات آقای بوسنالی می توان نتایج زیر را هم بدست آورد:

29% از کودکان دوزبانه ساکن تهران، تورکی را فقط در خانه صحبت می کنند و از صحبت کردن آن در بیرون از خانه دوری می کنند و 10% نیز در هیچ جا به تورکی سخن نمی گویند. این آمار نشان از احساس حقارت 39% از کودکان تورک زبانان است که تاب مقاومت در مقابل تحقیرها و توهین ها به زبان مادری را نداشته و بانکار زبان مادری و یا صحبت نکردن آن در بیرون خانه حتی با کسانی که فارسی نمی دانند یعنی با آسیمیله کردن خود، در سنگر زبان فارسی پناه می گیرند. همچنین فارسی نامیدن زبان مادری خود توسط 70% از کسانی که یکی از والدین آنها تورک می باشد نشان از احساس عدم امنیت در هویت تورکی و چسباندن خود به هویت فارسی می باشد.

در سلماس نیز در عین حالیکه نمی توان از دیگلسی و یا رد زبان مادری صحبت کرد اما در بین 86% از کسانی که زبان مادری خود را تورکی می دانند، فقط 74% آنها در خانه به تورکی صحبت می کنند یعنی 12% از این خانواده ها تحت تاثیر تبلیغات رادیو-تلویزیون، روزنامه ها و دیگر رسانه های فارس زبان آسیمیله شدن را از درون خانه خود شروع کرده اند و در خانه با خود و با فرزندان خود به فارسی صحبت می کنند، اینان تحت تاثیر فشار روانی دست به این کار می زنند و این بدان معناست که در تهران آسیمیله شدن هم در خانه صورت می گیرد هم در خیابان. اما در سلماس این جریان از درون خانه ها شروع شده است!

6.3 تحقیق سوم: مقایسه آمار باسوادی در استانهای با اکثریت فارس و تورک

آخرین آمار مربوط به میزان باسوادی در استانهای مختلف ایران از طر مرکز آمار ایران سال 2006 ارائه شده است.²⁷ در جدول زیر میزان باسوادی (یعنی توانایی خواندن و نوشتن به فارسی) در چهار استان با اکثریت تورک زبان با چهار استان با اکثریت فارس زبان آورده شده است.

جدول 3. درصد باسوادی در استانهای آذربایجان در آخرین سرشماری مرکز آمار ایران 1385

نام استان	در صد باسوادی	رتبه کشوری
استانهای با اکثریت فارسی زبان		
تهران	83.73%	1
سمنان	80.34%	2
اصفهان	80.08%	3
فارس	78.89%	4
استانهای با اکثریت تورکی زبان		
آذربایجان شرقی	73.98%	17
زنجان	73.82%	19
اردبیل	72.40%	24
آذربایجان غربی	69.56%	29

14 سرشماری مرکز آمار ایران. 1385. لینک:

دقت در رتبه ی استانهای تورک زبان در باسوادی جمعیت آنها و مقایسه با استانهای فارس نشین که در رتبه های نخستین قرار دارند، بوضوح نشان میدهد جمعیت فارس زبان حدوداً ده درصد بیشتر از جمعیت تورک خواندن- نوشتن بلد هستند. بدون شک عدم تحصیل به زبان مادری در استانهای تورک زبان (در کنار کمبود امکانات لازم) تمایل به مدرسه و یادگیری خواندن و نوشتن را کاهش داده است.

پایان